

تجارب والدین موفق در مورد زمینه‌های خانواده سالم: یک پژوهش کیفی

جواد خدادادی سنگده^۱، علی محمد نظری^۲، خدابخش احمدی^۳، جعفر حسنی^۴

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: والدین موفق نقشی اساسی در شکل‌گیری خانواده سالم دارند و خانواده سالم زیربنای سلامت جامعه را تشکیل می‌دهد. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف بررسی تجارب والدین موفق درباره زمینه‌های مؤثر بر خانواده سالم انجام شد.

روش: این مطالعه به روش کیفی و با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی انجام گردید. بدین منظور ۱۳ نفر از والدین موفق که حداقل ۱۵ سال از عمر ازدواج آن‌ها گذشته بود و سطح بالایی از رضایت زناشویی و سلامت عمومی را داشتند، به روش نمونه‌گیری هدفمند و با استفاده از مصاحبه عمیق و اکتشافی در طول یک دوره ۱۲ ماهه مورد مطالعه قرار گرفتند. داده‌ها جمع‌آوری، ثبت و سپس کدگذاری شد و در قالب مقوله‌های اصلی طبقه‌بندی گردید.

یافته‌ها: تحلیل تجارب شرکت‌کنندگان منجر به شناسایی ۴۲۹ کد اولیه، ۲۷ زیرمضمون و ۵ مضمون اصلی شامل «زمینه‌های فردی، زوجی، خانوادگی، والدگری و اجتماعی» شد.

نتیجه‌گیری: عوامل مختلفی همچون مسؤلیت‌پذیری، گذشت، پختگی، تعهد، قدردانی، صمیمیت، تلاش برای خشنودی یکدیگر، همکاری، حمایت متقابل، رضایت جنسی، خانواده‌گرایی، نظارت، انعطاف‌پذیری، اوقات فراغت، مدگرا نبودن و ارتباط با اقوام و آشنایان، نقش مهمی را در ایجاد یک خانواده سالم ایفا می‌کنند، اما در عین حال مورد توجه لازم قرار نگرفته‌اند. بنابراین، لزوم توجه بیشتر به مبانی فرهنگی و اجتماعی در پرداختن به ازدواج اهمیت بنیادی دارد.

کلید واژه‌ها: والدین موفق، خانواده سالم، پدیدارشناسی

ارجاع: خدادادی سنگده جواد، نظری علی محمد، احمدی خدابخش، حسنی جعفر. تجارب والدین موفق در مورد زمینه‌های خانواده سالم: یک پژوهش کیفی. مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت ۱۳۹۴؛ ۴ (۲): ۱۹۰-۱۷۸.

تاریخ پذیرش: ۹۴/۴/۱۳

تاریخ دریافت: ۹۴/۲/۱۵

- ۱- دانشجوی دکتری، گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
- ۲- دانشیار، گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
- ۳- دانشیار، مرکز علوم رفتاری، دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله (عج)، تهران، ایران
- ۴- دانشیار، گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

Email: javad.khodadadi7@gmail.com

نویسنده‌ی مسؤول: جواد خدادادی سنگده

مقدمه

خانواده اساسی‌ترین و در عین حال بادوام‌ترین واحد عاطفی-اجتماعی است که در تمامی مراحل رشد فرد نقش مهمی ایفا می‌کند و اساس چگونگی شخصیت او را پی‌ریزی می‌نماید (۱، ۲). عملکرد موفق والدین زیربنای عملکرد موفق خانواده را شکل می‌دهد و سلامت همه جانبه آن را تضمین می‌کند (۳) و در واقع آنچه والدین انجام می‌دهند و در درون خانواده جریان دارد، عامل محوری در سلامت یا آسیب اعضای خانواده محسوب می‌شود (۴) و سلامت جامعه نیز از سلامت این نهاد منحصر به فرد اثر می‌پذیرد (۵). والدین موفق در ابعاد مختلف فردی، خانوادگی و اجتماعی خود در مقایسه با والدین ناموفق سطح بالاتری از کارایی و سلامت را نشان می‌دهند (۶)، در فرایند زندگی از احساس بهزیستی بالاتری برخوردار هستند و کمتر به بیماری‌های مزمن مبتلا می‌شوند (۷). آن‌ها رفتارهای خودمراقبتی و پیشگیرانه بهتری دارند، مسؤلیت‌پذیری و تعاملات اجتماعی بهتری نشان می‌دهند، توانایی بهتری برای مقابله با مشکلات دارند، رضایت بیشتری را از زندگی خود تجربه می‌کنند و در نهایت این‌که عمر طولانی‌تری دارند (۸).

متخصصان خانواده معتقد هستند که مشکلات و آسیب‌های روانی-اجتماعی افراد برگرفته از روابط درون خانوادگی است که در این میان، روابط والدینی بیش از همه روابط اهمیت پیدا می‌کند (۵). افرادی که در محیط خانوادگی موفق و سالم پرورش یافته‌اند، در مقایسه با افرادی که در محیط خانوادگی ناسالم قرار دارند، سطح بالاتری از احترام، دوست داشته شدن، مورد حمایت شدن، ارزشمندی، خودکارآمدی و توانایی بهتر برای مقابله با بیماری‌ها را تجربه می‌کنند (۹). از طرف دیگر، عملکرد ناموفق والدین با وجود معنی‌دار نشانه‌های افسردگی، اضطراب، خودکشی و احتمال بیشتر طلاق (۳) مصرف سیگار، الکل و مواد مخدر (۱)، خشونت و درگیری فیزیکی (۱۰)، شکست و مشکلات تحصیلی در فرزندان (۱۱)، روابط جنسی خارج از چارچوب ازدواج (۱۲) و بروز متعدد مشکلات پزشکی و روان‌پزشکی (۱۳) در بین اعضای خانواده همراه است. از این‌رو، تشکیل

خانواده موفق و سالم تا حدودی برای همه افراد هدفی مهم، اساسی و در اولویت می‌باشد (۱۴).

بیشتر مطالعات انجام شده در حوزه خانواده بر زمینه‌های شکل‌گیری ناخرسندی، بدکارکردی، آسیب و فروپاشی خانواده تمرکز داشته است (۱۵، ۳)؛ در حالی که پرداختن به عوامل زمینه‌ساز خانواده به سمت رشد و سلامت، سهم نه چندان زیادی از پژوهش‌ها را به خود اختصاص داده است (۱۶، ۸). Ingram در مطالعه کیفی خود روی والدین موفق که حداقل ۱۰ سال از مدت ازدواج آن‌ها گذشته بود، دریافت که این والدین در فرایند زندگی ثابت قدم و پذیرای تغییرات هستند، به هویت فردی و زوجی خود اهمیت می‌دهند، به تفاوت و شباهت‌های همدیگر توجه دارند، نگرش و روابط جنسی رضایت‌بخشی دارند، به مدیریت مسایل مالی، اوقات فراغت و ارتباط با خانواده اصلی، اقوام و دوستان اهمیت می‌دهند و ارزش‌های مذهبی و جهان‌بینی مشترکی دارند (۱۷).

نتایج پژوهش Parker نشان داد که والدین موفق تعارض‌های پیش آمده را با محبت‌ورزی کاهش می‌دهند، سطح بالایی از مراقبت و تعهد را در رابطه خود نشان می‌دهند، مدیریت مالی برای آنان اهمیت دارد، نظارت لازم بر فرزندان خود دارند و مرز محکمی حول رابطه زناشویی و خانوادگی خود ترسیم کرده‌اند (۱۸). مطالعه دیگری بر روی ۱۵ خانواده سالم و موفق که حداقل ۱۰ سال از ازدواج آن‌ها گذشته بود، گزارش نمود که در این خانواده‌ها والدین نسبت به هم متعهد هستند، از باورهای مذهبی مشترکی برخوردارند، به صمیمیت و استقلال فردی توجه دارند و ارتباط (خودافشایی، گوش دادن و بیان نظرات) مؤثری با یکدیگر دارند (۱۹).

با این حال، از آن‌جا که چیستی و چگونگی محتوا و فرایند عملکرد سالم و ناسالم خانواده در فرهنگ‌های مختلف، متفاوت می‌باشد (۲۰)، بررسی ساز و کار سیستم خانواده بدون توجه به بافت فرهنگی-اجتماعی آن امر ناقص و نادرستی است (۲۱، ۲۲). از این‌رو، در نظر گرفتن مؤلفه‌های فرهنگی-اجتماعی از مهم‌ترین مسایل لازم در پژوهش‌های مرتبط با خانواده است. از آن‌جا که ارزش‌ها و قواعد فرهنگی-اجتماعی

نهایت این که اساس مقیاس‌های استاندارد شده رضایت زناشویی Enrich و سلامت عمومی (GHQ) یا (General health questionnaire) والدین در سطح متوسط به بالایی باشد.

جهت دسترسی به اطلاعات کامل و غنی، عرصه پژوهش در محدوده وسیعی انتخاب شد و مشارکت کنندگان در پژوهش از بین والدین شرکت کننده در برنامه‌های خانه‌های سلامت مناطق مختلف شهر تهران، معرفی آشنایان و مراجعه به اماکن عمومی (فرهنگ‌سراها، کتابخانه‌ها و پارک‌ها) که معیارهای مذکور و آمادگی لازم برای شرکت در پژوهش را داشتند، توسط پژوهشگر انتخاب شدند. مدت زمان اجرای پژوهش یک دوره یک‌ساله (تابستان سال ۱۳۹۲ تا تابستان سال ۱۳۹۳) به طول انجامید. برای انتخاب نمونه از شیوه مبتنی بر هدف و البته به طور هم‌زمان از روش گلوله برفی جهت دسترسی سریع‌تر و راحت‌تر به نمونه‌های مورد نظر استفاده شد. نمونه‌گیری هدفمند به انتخاب آزمودنی‌هایی اشاره دارد که حداکثر دستیابی به پاسخ سؤالات را ممکن می‌سازند و می‌توانند در زمینه پدیده مورد نظر اطلاعات غنی و جامعی را در اختیار پژوهشگر قرار دهند (۲۵). این راهبرد افراد را بر حسب دانش و تجارب خاص آن‌ها در مورد پدیده مورد مطالعه برای مشارکت در تحقیق انتخاب می‌کند.

از شیوه گلوله برفی به این شکل استفاده شد که از مشارکت کننده واجد شرایط در پایان مصاحبه درخواست گردید تا در صورت دسترسی و شناخت افراد دیگری که مانند آن‌ها دارای تجارب و خانواده موفق هستند، معرفی کنند. فرایند گزینش نمونه‌ها تا هنگامی ادامه پیدا کرد که در جریان کسب اطلاعات هیچ داده جدیدی پدیدار نشد. به عبارت دیگر، جمع‌آوری داده‌ها تا حصول اشباع نظری داده‌ها ادامه یافت که در پایان، تعداد نمونه‌های پژوهش به ۱۳ نفر رسید. به طور معمول در پژوهش‌های پدیدارشناسی اندازه نمونه کوچک و به طور تقریبی ۱۵-۶ نفر است (۲۶، ۲۷).

در رابطه با رعایت اصول اخلاقی پژوهش لازم به ذکر است که قبل از انجام مصاحبه، شرکت کنندگان از اهداف و اهمیت پژوهش آگاه شدند و با رضایت و آگاهانه در تحقیق

بر چگونگی فرایند خانواده اثرگذار است، بررسی وضعیت خانواده در بافتی که در آن قرار دارد، ضروری به نظر می‌رسد (۲۳) و مطالعه انجام شده در یک بافت فرهنگی را نمی‌توان به بافت‌های فرهنگی دیگر تعمیم داد (۲۱)، بنابراین انجام پژوهش مبتنی بر بافت اهمیت دارد.

از سوی دیگر، نقص دانش و فقدان اطلاعات عمیق درباره چگونگی عملکرد والدین موفق یکی دیگر از عوامل ضرورت‌بخش پژوهش کیفی حاضر بود. اغلب مطالعات گذشته در حوزه خانواده به شکل کمی و با استفاده از پرسش‌نامه انجام شده است و این روش برای کسب دانش لازم درباره عملکرد خانواده، ناقص است. از این رو، پژوهش حاضر به دنبال بررسی چستی تجارب والدین موفق در تشکیل خانواده سالم بود تا به این سؤال اساسی بپردازد که زمینه‌های مؤثر بر ایجاد خانواده سالم از دیدگاه والدین موفق کدامند؟

روش

مطالعه حاضر به روش کیفی و با استفاده از رویکرد پدیدارشناختی انجام شد. هدف این روش، توصیف و تشریح پدیده‌های خاص به عنوان تجارب زیسته است. در فرایند کار بر توصیف آنچه که افراد بیان می‌کنند، تمرکز می‌شود تا منجر به کشف پدیده‌های تازه شود (۲۴). مسأله اساسی و لازم برای کاربرد روش پدیدارشناسی پاسخ به این سؤال است که آیا پدیده مورد نظر نیاز به روشن‌سازی دارد یا خیر؟. خانواده سالم با وجود تمام اهمیت آن، هنوز در کشور ما و بر اساس بافت فرهنگی- اجتماعی آن روشن نشده است و ادبیات علمی دقیق و کاملی در این زمینه وجود ندارد. از این رو پژوهشگران در این مطالعه روش فوق را انتخاب کردند.

در پژوهش حاضر بر اساس هدف مطالعه، شرکت کنندگان از بین والدین موفق که شرایط و معیارهای ورود به مطالعه را داشتند، انتخاب شدند. معیارهای ورود به مطالعه شامل گذشتن حداقل ۱۵ سال از عمر خانواده، داشتن حداقل یک فرزند، فقدان سابقه سوء پیشینه در هیچ یک از اعضای خانواده، فقدان آسیب‌های اعتیاد، خیانت و طلاق، آمادگی و تمایل به مشارکت در پژوهش و توانایی انتقال اطلاعات و در

روشن‌سازی، مقوله‌بندی و رفع تناقض‌های موجود در تفسیر، فرایند بازگشت مکرر به متون صورت گرفت. در هر محله با ادغام خلاصه‌های تفسیری، تحلیل کلی‌تر انجام شد تا در نهایت ارتباط بین درون‌مایه‌ها به بهترین نحو ممکن جهت رسیدن به طرح نهایی صورت گرفت.

به منظور صحت و اعتبار داده‌های پژوهش از چهار شاخص اعتبار Guba و Lincoln استفاده گردید (۳۰). برای تضمین قابلیت اعتبار داده‌ها پس از تحلیل، هر مصاحبه دوباره به شرکت کننده بازگشت داده شد و صحت و سقم مطالب تأیید و تغییرات لازم اعمال گردید. جهت تضمین قابلیت تصدیق سعی بر آن بود که پژوهشگر پیش‌فرض‌های پیشین خود را تا حد امکان در فرایند جمع‌آوری اطلاعات دخالت ندهد. جهت تضمین قابلیت اطمینان و کفایت، از راهنمایی و نظارت همکاران متخصص استفاده شد و متن مصاحبه جهت بررسی کدگذاری‌ها به همکاران پژوهش و یک متخصص پژوهش کیفی داده شد. جهت افزایش قابلیت تعمیم و انتقال به موقعیت‌های دیگر، این تلاش صورت گرفت که برای شرکت در پژوهش تا حد امکان از خانواده‌های متعلق به سطوح مختلف اجتماعی-اقتصادی استفاده شود.

هدف از تحلیل داده‌ها، استخراج مفاهیم و سپس مضامین است. مضامین یک سری مشخصه‌های کلی هستند که معنای محوری مفاهیم، تشابهات و تفاوت‌ها را بازنمایی می‌کند. هر مضمون باید یک جزء متفاوت از پدیده را تشریح کند و تعداد مقوله‌ها نباید زیاد باشد، بلکه حداقل تعداد مطرح است (۲۶). در پژوهش حاضر متن مصاحبه‌ها پس از گوش دادن چندین باره و پیاده کردن آن‌ها روی کاغذ، تحلیل مضمونی شد. مقوله‌بندی بر اساس غرق شدن در اطلاعات، تکرار کدگذاری‌ها، طبقه‌بندی‌ها و مقایسه‌ها صورت گرفت. پس از استخراج، کدگذاری و طبقه‌بندی اطلاعات، مضامین مشترک و مرتبط با هم در قالب مقوله‌های فرعی و در نهایت مضامین عمده تلفیق و مضامین نابجا و نامرتب حذف شدند. برای بررسی ارتباط بین مقوله‌ها و یکپارچه کردن آن‌ها، از تلفیق تفکر قیاسی و استقرایی و حرکت مداوم بین مفاهیم مرتبط استفاده گردید. با توجه به یادداشت‌های نظری حاصل از

شرکت کردند و علاوه بر کسب رضایت آن‌ها جهت ضبط صدا و یادداشت‌برداری میدانی، به شرکت کنندگان اطمینان از حق انصراف و محرمانه بودن همه مشخصات در کل فرایند پژوهش داده شد. همه مصاحبه‌ها با تعیین زمان مشخص شده از سوی شرکت کننده و در مکانی خلوت و بدون حضور فرد دیگری انجام گرفت.

ماهیت اکتشافی پژوهش، انعطاف‌پذیری بالای پژوهشگر را جهت کاوش موضوعات تازه و مبهم می‌طلبد. بر این اساس، از روش مصاحبه عمیق و بدون ساختار استفاده شد. این روش مصاحبه شرایطی را به وجود می‌آورد تا شرکت کنندگان دیدگاه خود را آن‌گونه که تجربه کرده‌اند با استفاده از زبان و ادبیات خاص خود تشریح کنند. مصاحبه‌ها با یک سؤال کلی در مورد تجارب زندگی خانوادگی شروع شد و در مواقع لازم در طول انجام پژوهش از سؤالات کاوش‌گرانه مانند «می‌توانید در این باره بیشتر توضیح دهید؟ یا می‌شود منظورتان را واضح‌تر بیان کنید؟» جهت دستیابی به جزئیات و اطلاعات غنی‌تر استفاده شد. مدت مصاحبه‌ها اغلب بین ۳۰ تا ۵۷ دقیقه به طول انجامید. تمام مصاحبه‌ها با تعیین زمان مشخص شده قبلی از سوی شرکت کنندگان در مرکز مشاوره توسط پژوهشگر و بدون حضور فرد دیگری انجام شد. داده‌ها در طول یک دوره ۱۲ ماهه جمع‌آوری، ثبت، کدگذاری و در قالب مقوله‌های عمده دسته‌بندی گردید.

جهت تحلیل داده‌ها، روش Diekelmann و همکاران مورد استفاده قرار گرفت (۲۸). در شیوه پدیدارشناسی روش‌های تحلیلی مختلفی وجود دارد که هرچند بین آن‌ها همپوشانی زیادی وجود دارد، اما روش مذکور در مطالعه موضوعات اکتشافی و مبهم ارجحیت دارد (۲۹). بر اساس این روش، متن مصاحبه‌ها پس از پیاده شدن روی برگه، چندین بار مرور شد تا شناخت کلی از آن حاصل شود. سپس برای هر یک از متون مصاحبه خلاصه تفسیری نوشته شد و نسبت به درک و استخراج معانی نهفته در آن اقدام گردید. در ادامه، پژوهشگران در استخراج مضامین به مشارکت و تبادل نظر پرداختند. با تداوم مصاحبه‌ها، مضمون قبلی روشن‌تر می‌شد و تکامل می‌یافت و گاه مضمون جدید شکل می‌گرفت. جهت

از جمله یافته‌های قابل توجه و جالب که در همه مصاحبه‌های افراد به کرات به نقش مؤثر آن اشاره شده بود، قناعت داشتن، صبر داشتن و اهل گذشت بودن است. این فضیلت‌های فردی با وجود این که در بافت فرهنگی و دینی ما پراهمیت و معنی‌دار است، اما در متون علمی آن‌چنان که باید به آن‌ها پرداخته نشده است. «به نظر ما چهار روز دنیا ارزش غصه و حسرت خوردن ندارد... با همین تاکسی که دارم همیشه خدارو شکر کردم نه به خاطر این که خیلی وضعم خوبه نه... واسه این که یه خانواده خوبی دارم و نشده تا حالا دستمو پیش کسی دراز کنم و محتاج کسی باشم. تو زندگی‌مون کم و کسری که بوده، گذشت و صبر داشتیم، تلاش می‌کنیم و فقط فقط به خدا توکل و امید داریم... همین چیزاس که آدم باهش ارزششو حفظ می‌کنه» (آقا ۴۶ ساله، مدت ازدواج ۲۲ سال).

صبر و بردباری فضیلتی است که به فرد و خانواده در برخورد موفقیت‌آمیز با پیشامدهای پیش‌بینی شده و پیش‌بینی نشده زندگی کمک می‌کند و توان آن‌ها را از یک سو برای اتخاذ رویه‌های صحیح حل مسأله و از سوی دیگر جهت رسیدن به سطح عمیق‌تری از رضایتمندی و رشد افزایش می‌دهد. «زندگی هزار تا بالا و پایین داره، این که آدم خودش چطور باشه مهمه... من آدم صبور و دل‌داری‌ام، شوهرم همین طور. ما داغ یه جوون دیدیم، خیلی سخت و جگرسوزه، ولی تو زندگی خودمونو نباختیم، صبر و تحمل کردیم و توکمونو دادیم به خدا... صبر داشتن یه عادتیه که همیشه و همه جای زندگی کمکون کرده و باعث شده زندگی‌مون خیر و برکت داشته باشه و همیشه راضی باشیم» (خانم ۴۸ ساله، مدت ازدواج ۲۷ سال).

جریان مصاحبه و تکرار، اشاره و تأکید مکرر بر نقش فرد، زن و شوهر، خانواده، سبک والدگری و اقوام و دوستان در مصاحبه‌ها از سوی شرکت‌کنندگان مضامین اصلی نامگذاری شدند.

لازم به ذکر است که در فرایند تحلیل از نظارت استادان راهنما و مشاور و هم‌فکری با متخصصان استفاده شد. متن مصاحبه‌ها به همکاران پژوهش داده شد و آن‌ها نیز به بررسی کدها، زیرمقوله‌ها، ارتباط بین مقوله‌ها، حذف کدهای نابجا و شناسایی موارد جدید پرداختند تا تحلیل داده‌ها به یکپارچگی دست یابد. در نهایت جهت افزایش اطمینان از دسته‌بندی، زیرمضامین و مضامین محوری در اختیار یک متخصص پژوهش کیفی جهت بررسی دقیق‌تر کدگذاری‌ها قرار داده شد.

یافته‌ها

شرکت‌کنندگان مطالعه را ۷ زن و ۶ مرد تشکیل دادند. دامنه سنی شرکت‌کنندگان ۳۸-۶۴ سال و مدت ازدواج آن‌ها ۱۵-۴۲ سال با میانگین ۲۷/۳ بود. نوع ازدواج ۹ نفر از آن‌ها سنتی و ۴ نفر دیگر غیر سنتی بود. تحلیل تجارب شرکت‌کنندگان پژوهش منجر به شناسایی ۴۲۹ کد اولیه، ۲۷ زیرمضمون و ۵ مضمون اصلی شد که در جدول ۱ ارایه شده است.

زمینه‌های فردی

بر اساس تجارب مشارکت‌کنندگان، اولین مضمون اصلی شناسایی شده در پژوهش حاضر، زمینه‌های فردی می‌باشد. ویژگی‌های مثبتی همچون مسؤولیت‌پذیری، گذشت، صبر، توکل داشتن به خداوند، قناعت و پختگی از جمله دلایل فردی است که والدین موفق در طی مصاحبه‌های خود به آن اشاره داشته‌اند.

جدول ۱. مضامین محوری و زیرمضمون‌های مربوط به خانواده سالم

مضامین اصلی	مضامین فرعی
زمینه‌های فردی	مسؤولیت‌پذیری، گذشت، صبر، توکل به خداوند، قناعت و پختگی
زمینه‌های زوجی	قدردانی، تعهد متقابل، صمیمیت، تلاش برای خشنودی یکدیگر و رضایت جنسی
زمینه‌های خانوادگی	والد شدن، خانواده‌گرایی، ارتباط با خانواده‌های اصلی، خشنودی خانواده اصلی، تصریح مرزها و انتقال بین نسلی
زمینه‌های والدگری	انعطاف‌پذیری، نظارت، عمل‌گرایی، اتحاد والدینی و توافق
زمینه‌های اجتماعی	ارتباط با اقوام و آشنایان، اشتغال، مقبولیت اجتماعی، مدگرا نبودن و اوقات فراغت

زمینه‌های زوجی

تحلیل تجارب افراد شرکت کننده نشان می‌دهد که وجود مضامینی مانند قدردانی، تعهد و وفاداری، صمیمیت، تلاش برای خشنودی یکدیگر، رضایت جنسی و حمایت و مراقبت متقابل از هم، ساز و کارهای زن و شوهر برای شکل‌دهی یک رابطه زوجی موفق در این بافت فرهنگی بوده است.

تعهد داشتن به یکدیگر و به رابطه زناشویی عامل مهم دیگری است که افراد مورد مطالعه در توصیف خود از رابطه‌شان به اشکال مختلف به آن اشاره داشتند. این مهم در ایجاد یک ارتباط اطمینان‌بخش و مبتنی بر اعتماد در زمینه تعاملات زوجی حایز اهمیت می‌باشد. «فکر نمی‌کنم چیزی برای یک زن بهتر از این باشه که می‌بینم شوهرش بهش وفاداره، امانت‌داره، نسب به همه چیزش تعهد داره و براش مهمه که به رابطه‌شو و زنشو و خانوادش اهمیت می‌ده و خیانت نکنه... وقتی تو به خانواده زن و شوهر به هم وفادار باشی، خیلی از این بدبختیا که الان تو جامعه می‌بینیم والا پیش نمی‌یاد» (خانم ۳۸ ساله، مدت ازدواج ۱۶ سال).

رضایت داشتن طرفین از رابطه جنسی شاخص مناسبی برای ثبات ازدواج و کاهش احتمال انواع آسیب‌ها محسوب می‌شود. نکته مهم این است که این رضایت جنسی برگرفته از بافت رابطه خوب زن و شوهر است و این مهم در توصیفات افراد مورد مطالعه زیاد به چشم می‌خورد. «از اول ازدواجمون تا حالا خیلی کم پیش اومده که شبا پیش هم نخوابیم، اتاقمون از بچه‌ها جداس و بهش حساسیم... وقتی رابطه زن و مرد خوب باشه چرا دور از هم باشن... حالا همه چی که فقط مسأله جنسی نیست، اما مهمه که با هم راحتیم و دربارش با هم صحبت می‌کنیم، شوخی می‌کنیم و رودربایستی با هم نداریم» (خانم ۳۸ ساله، مدت ازدواج ۱۶ سال).

تلاش برای خشنودی یکدیگر از جالب‌ترین یافته‌های مطالعه حاضر بود که نقش قابل توجهی در تشکیل زندگی سالم ایفا می‌کند و در مصاحبه‌های زیادی مشاهده می‌شود. «شاید باورتون نشه بارها دیدم که هر طور از دستش برمی‌یاد کاری می‌کنه که منو خوشحال کنه... شده مثلاً بی‌مناسبت رفته برام پیرهنی گرفته، زیرپوشی گرفته، غذایی که خوشم

میاد گذاشته و هزار تا کار دیگه... این اخلاقشه (رفتار) که به همه می‌گم خانمم به فرشته‌س و دوست ندارم ازم ناراحت شه» (آقا ۵۲ ساله، مدت ازدواج ۲۶ سال).

زمینه‌های خانوادگی

شرکت کنندگان پژوهش تجاربی را عنوان کردند که حاکی از تعاملات درون خانوادگی است. بر اساس اطلاعات حاصل از مصاحبه‌ها، دلایلی همچون والد شدن، خانواده‌گرایی، انتقال صحیح بین نسلی، تصریح مرزها و رضایت خانواده اصلی از همسر تحت عنوان زمینه‌های خانوادگی دسته‌بندی شدند.

حضور بچه و اضافه شدن نقش والدینی در سیستم خانواده که همه مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره داشتند، از جمله مضامینی است که به نظر آن‌ها موجب برکت زندگی، مهر و محبت بیشتر و شوق در زندگی می‌شود. «ما سه تا بچه داریم که خدارو شکر هر یکی از یکی بهترن. برکت و محبت زندگی و رزق و روزیمون با اومدن بچه‌ها بیشتر شده... اصلاً همه ذوق و شوقمون سر و سامون گرفتن بچه‌هامونن. داشتن بچه به نعمتیه که تا نداشته باشی نمی‌فهمی چیه، خونه بی‌بچه مته قبرستونه، دل مرده‌س...» (خانم ۵۳ ساله، مدت ازدواج ۳۰ سال).

الگوگیری یک یا هر دوی زوج از باورها و رفتارهای تربیتی کارآمد حاکم بر خانواده اصلی و انتقال و به کارگیری صحیح این الگوها در تعاملات درون خانوادگی، از دیگر زیرمضامین به دست آمده بود. «من الان نگاه می‌کنم به رفتارای خودم با زنم و بچه‌هام، می‌بینم مته رفتارای پدر خدا بیامرزمه... خب مثلاً از خیلی جهات این‌طوریه... این‌که به خانوادم اهمیت می‌دم و بهشون می‌رسم و تا اون‌جا که می‌تونم هوشونو دارم، حرمتارو حفظ می‌کنم و به تربیت بچه‌هام بیشتر از نون ششون اهمیت می‌دم... این‌جور چیزارو سر سفره خانواده یاد گرفتیم نه از تو کتابا و فیلما...» (آقا ۴۶ ساله، مدت ازدواج ۱۹ سال).

نقش خشنودی خانواده اصلی از همسر یکی دیگر از یافته‌های این پژوهش بود که اهمیت کیفیت ارتباط با خانواده اصلی را آشکار می‌سازد و تأثیر رضایتمندی آن‌ها را در خرسندی از زندگی زناشویی نشان می‌دهد. «ه تنها خودم، بلکه همه خانوادمو فامیلام از شوهرم راضین و همیشه براش

خویشاوندان، همکاران و دوستان و فقدان تنش و تعارض با آن‌ها به عنوان یکی از زمینه‌های مهم در کیفیت و رضایتمندی از زندگی به شمار می‌رود. «ما ارتباط گرمی با خانواده‌هامون داریم، می‌ریم و می‌یام و از حال هم خبر داریم و هر چند وقت یک‌بار حتماً به شامی یا نهارى خونه خانواده‌هامونیم یا اونا می‌یان... با فامیلامون رفت و آمد داریم و کم می‌شه از هم بی‌خبر باشیم. خدای نکرده به مشکلی یا اتفاقی که پیش می‌یاد، همه جمع می‌شیم دور هم و هر کی هر جور می‌تونه کمک می‌کنه... این‌جور چیزا تو قوم و خویشای ما رسمه» (خانم ۴۹ ساله، مدت ازدواج ۲۸ سال).

در این بافت اجتماعی، نه تنها رابطه با خانواده اصلی و خویشاوندان اثر مثبتی در چگونگی کیفیت زندگی خانواده‌ها دارد، بلکه ارتباط گرم با همسایگان و همکاران نیز می‌تواند همین نقش را به خوبی ایفا کند. «یه همکار یا همسایه خوب مته یه خانواده خوب می‌مونه. خانواده همیشه نزدیک آدم نیست، ولی همسایه ۲۴ ساعته بیخ گوش آدمه... اگه اتفاقی یا کاری پیش بیاد زودتر از هر کسی همسایه‌ها به داد هم می‌رسن... ما با چندتا از همسایه‌هامون رفت و آمد داریم، به هم اعتماد داریم و یه وقتایی که مسافرت می‌ریم، کلید خونه‌رو بهشون می‌سپاریم» (خانم ۴۳ ساله، مدت ازدواج ۲۰ سال).

توجه داشتن به اوقات فراغت، تفریح و مسافرت خانوادگی نیز یکی دیگر از دلایل ایجاد رضایت از زندگی خانوادگی افراد در توصیفاتشان بود. این امر مهم زمینه فارغ شدن از تنش‌ها و فشارهای حاصل از مسایل کاری و روزمره زندگی را ایجاد می‌کند. عدم تمایل به مد و سبک زندگی مدگرایانه نیز از دیگر دلایل اجتماعی بود که افراد مورد مطالعه به نقش پررنگ آن در موفقیت زندگی خود اشاره داشتند. «با همین مسافرکشی خرج زندگیمو درمی‌یارم و خدارو صد هزار مرتبه شکر تا حالا هم محتاج کسی نبودیم و امورات زندگیمون می‌چرخه... نه این‌که درامدم خیلی باشه یا شب و روز فقط کار کنم، مال اینه که خودم و زن و بچه‌م تو زندگی اهل پز دادن و مد روز گشتن و ریختن و پاش نبودیم... کاری به این‌که فلان وسیله مد شده یا فلان لباس تازه اومده نیستیم و حرف مردم برامون مهم نیست» (آقا ۴۶ ساله، مدت ازدواج ۲۲ سال).

دعا می‌کنن... خیلی مرد خاکی و با محبتیه و هر کاری از دستش بر بیاد ازشون دریغ نمی‌کنه... شده مثلاً دو کیلو میوه خریده و خیلی وقتا شده خودش زنگ می‌زنه بهشون، می‌ریم بهشون سری می‌زنیم و دعوتشون می‌کنیم و اونا هم همیشه بهمون محبت می‌کنن... خب منم همیشه دور این شوهرم می‌گردم و هر کاری از دستم بر بیاد برا خودش و خانوادش انجام می‌دم» (خانم ۴۵ ساله، مدت ازدواج ۲۴ سال).

زمینه‌های والدگری

شیوه فرزندپروری موفق نیز از مقوله‌های بسیار مهمی است که در تجارب والدین موفق به چشم می‌خورد. سخت‌گیر نبودن، عمل‌گرایی، متحد بودن والدین، نظارت داشتن بر فرزندان و توافق داشتن بر سر چگونگی تربیت فرزندان از مهم‌ترین مضامین فرعی قرار گرفته در این مضمون است. «چهار تا بچه بزرگ کردیم و تحویل جامعه دادیم. الآن همشون برا خودشون کسی هستن و سربار کسی نیستن... به اون صورت سوادى‌ام نداشتیم، اما خب رعایت می‌کردیم چه کار کنیم و چکار نکنیم، پشت هم بودیم... با رفتارمون بهشون یاد دادیم نه با حرف و نصیحت... بی‌خودی بهشون سخت نگرفتیم، ولی حواسمون بهشون بوده کجا می‌رن و کجا می‌یان، با کی می‌رن و با کی می‌یان و چکار می‌کنن» (آقا ۶۲ ساله، مدت ازدواج ۳۷ سال).

از دیگر عوامل تعیین کننده والدگری موفق، عمل‌گرایی و توافق داشتن والدین بر سر مسایل مهم زندگی مانند تصمیم‌گیری‌های مالی، شغلی، تحصیلی و از جمله شیوه برخورد با فرزندان و چگونگی تربیت آن‌ها می‌باشد. «برا تربیت بچه‌هامون بیشتر از من، مادرشون حواسش بوده. من سرکارم و کمتر تو خونه‌ام. اگه مشکلی پیش می‌آمده از من پنهونش نمی‌کرده و بچه‌ها خوب می‌دونن که حرفمون یکیه و همینه که نشده سوء استفاده کنن... زن و مرد باید اهل عمل باشن و حرف و عملشون یکی باشه... این یک چیز نکه، اون یک چیز دیگه بگه... اینا از لباس و شکم بچه واجب‌تره» (آقا ۴۹ ساله، مدت ازدواج ۲۴ سال).

زمینه‌های اجتماعی

برخورداری از روابط مناسب با خانواده‌های اصلی،

بحث

پژوهش کیفی حاضر با رویکرد پدیدارشناختی به بررسی چستی سلامت خانواده از دیدگاه والدین موفق پرداخت. تحلیل و کدگذاری یافته‌ها منجر به پیدایش پنج مضمون اصلی تحت عنوان «زمینه‌های فردی، زوجی، خانوادگی، والدگری و اجتماعی» شد.

آشکار است که عوامل مختلفی می‌توانند بر موفقیت و سلامت خانواده مؤثر باشند. وقتی خانواده از سلامت برخوردار باشد، عملکردها و نقش‌ها به خوبی ایفا می‌شود، اعضای خانواده می‌توانند با مسایل و مشکلات به شیوه صحیح برخورد نمایند، در جهت ارتقای سلامت و بهزیستی حرکت می‌کنند و از انواع آسیب‌ها به دور هستند (۱۷، ۱۳). از دیدگاه والدین موفق در مطالعه، ویژگی‌های شخصیتی اعضا یکی از زمینه‌های تأثیرگذار در سلامت و موفقیت خانواده آن‌ها است. مسؤولیت‌پذیری، گذشت، صبر داشتن، توکل به خداوند، قناعت و پختگی از زیرمقوله‌های این مضمون بود. تحلیل تجارب نشان داد که این والدین مسؤولیت‌پذیر هستند، توانایی بخشش و گذشت دارند، در برخورد با مسایل و مشکلات صبورترند، به یاری خداوند توکل دارند، اهل قناعت می‌باشند و در فرایند زندگی به شکل پخته و بالغانه رفتار می‌کنند و در نتیجه در زندگی خانوادگی خود موفق‌تر هستند.

برخی از یافته‌ها مانند مسؤولیت‌پذیری، رفتار بالغانه و توانایی گذشت با نتایج مطالعات مختلف (۳۱، ۳۳، ۲۱، ۱۸) همخوانی دارد. آنچه در پژوهش حاضر تازگی داشت، کیفیت‌های مثبت توکل داشتن، صبور بودن و قناعت است که در این بافت فرهنگی - اجتماعی به دلیل ریشه‌دار بودن آموزه‌های دینی و اثر عمیق آن‌ها بر شکل‌گیری سبک شخصیت و زندگی افراد، نقش قابل توجهی دارد، اما در پژوهش‌ها و ادبیات مرتبط با سلامت ازدواج و خانواده تاکنون به آن‌ها توجه لازم و کافی نشده است. برخورداری از این فضیلت‌ها خانواده را در رویارویی با مشکلات توانمند می‌سازد، زمینه اختلاف و تعارض را کاهش و احساس کارآمدی را افزایش می‌دهد، رضایت‌پایداری را به دنبال دارد و در نهایت مسیر رشد و تعالی اعضای خانواده را فراهم می‌نماید.

مضمون محوری دیگر پژوهش حاضر به تعاملات زن و شوهر در خانواده مربوط می‌شد. روابط زوجی در چهارچوب ازدواج از دیرباز وجود داشته و مورد ترغیب شرایع و قوانین بوده است. رابطه زوجی قراردادی است که به موجب آن زن و مرد در زندگی با یکدیگر شریک و متحد شده، نهاد خانواده را پایه‌گذاری می‌کنند. آنچه که از این پایه‌گذاری مهم‌تر است، چگونه عمل کردن و شکل‌دهی یک رابطه رضایت‌بخش و سالم بین زوج‌ها می‌باشد. تجزیه و تحلیل تجارب افراد مورد مطالعه نشان داد که آن‌ها در تعاملات زوجی خود از یکدیگر قدردانی می‌کنند، نسبت به یکدیگر و رابطه‌شان متعهد هستند، برای رضایت یکدیگر تلاش می‌کنند، رفتارهای حمایتی و صمیمانه نسبت به یکدیگر دارند، به کم و کیف روابط جنسی خود اهمیت دهند و به گفتگو درباره آن می‌پردازند. این یافته‌ها با نتایج برخی مطالعات مختلف (۳۲، ۱۹، ۱۷، ۱۰) همسو است.

آنچه که یافته‌های مطالعه حاضر را از مطالعات پیشین متمایز می‌کند، علاوه بر تأیید اهمیت تعهد، صمیمیت و کیفیت رضایت جنسی، شناسایی تجاربی می‌باشد که به خوبی اثرات فرهنگ را بر زندگی خانوادگی نشان می‌دهد. قدردانی متقابل و تلاش برای خشنودی یکدیگر از جمله رفتارهایی است که بر سلامت زندگی زوجی و خانوادگی اثرگذار و حاوی معناهای ارزشمندی است. این قبیل رفتارها در بافت خانواده محور بر خلاف سایر بافت‌های اجتماعی که رضایت فردی در آن مهم‌تر تلقی می‌شود، بار ارزشی و معنایی متفاوتی به دنبال دارد. چنین تعاملاتی زوجین را به یکدیگر نزدیک می‌کند، چرخه تعاملات مثبت و تقویت‌کننده را ایجاد می‌نماید، مکانیسم‌های حمایتی آن‌ها را فعال نگه می‌دارد و در نهایت اثرات انکارناپذیر و چشمگیری در سلامت روابط زن و شوهری و کل نظام خانواده دارد که در پژوهش‌ها و دیدگاه‌های کنونی خانواده و ازدواج، کمتر مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

مضمون اصلی سوم، زمینه‌های خانوادگی است. والد شدن، خانواده‌گرایی، خشنودی خانواده اصلی، تصریح مرزها و انتقال بین نسلی مضامین فرعی این مضمون را تشکیل می‌دهند. نتایج به دست آمده نیز به شکل کلی از حمایت

نقش چندانی در انتخاب همسر و چگونگی زندگی فرزندان خود ندارند، متفاوت باشد. مضمون فرعی الگوگیری آگاهانه و توأم با انعطاف‌پذیری والدین از سبک تربیتی خانواده اصلی خود و انتقال این آموزه‌های نگرشی و رفتاری به نسل بعدی نیز همین نکته را دوباره بازگو می‌کند.

سبک والدگری مضمون محوری دیگری بود که در مطالعه حاضر مورد شناسایی قرار گرفت. انعطاف‌پذیری، نظارت، عمل‌گرایی، اتحاد والدینی و توافق پدر و مادر در چگونگی تربیت فرزند، مضامین فرعی این مضمون بود. طبق تجارب افراد شرکت کننده، والدین زمانی در پرداختن به نقش والدگری خود موفق خواهند بود که بین آن‌ها اتحاد وجود داشته باشد، بر اعمال و رفتارهای فرزندان خود نظارت کافی و لازم و بر سر چگونگی تربیت فرزندانشان توافق داشته باشند، به استقلال فردی فرزندانشان بها دهند، در مواقع لزوم به حمایت از آنان بپردازند، سخت‌گیری و یا سهل‌گیری بیش از حد نداشته باشند و در نهایت بیش از سبک گفتاری به سبک رفتاری خود اهمیت دهند، آنگاه در تربیت فرزندان موفق در شرایط مختلف اقتصادی- اجتماعی پیروز خواهند بود و به دنبال آن کانون خانواده میزان بالایی از موفقیت و سلامت در ابعاد مختلف را نشان خواهد داد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های متعددی (۳۳، ۲۱، ۱۴، ۱۲، ۱۱، ۱) همخوانی دارد و لزوم توجه بیشتر به آن‌ها را نشان می‌دهد. بنابراین، شیوه تعاملات والد- فرزند در رشد بهنجار و نابهنجار اعضای خانواده نقشی اساسی دارد؛ به گونه‌ای که اثر تربیتی والدین بر رشد ویژگی‌هایی مانند عزت نفس، استقلال، مسؤولیت‌پذیری و کسب هویت موفق به روشنی در حوزه سلامت و آسیب‌شناسی تربیت فرزند مشهود است (۳۳).

زمینه‌های اجتماعی، آخرین مضمون به دست آمده از تجارب شرکت کنندگان در مطالعه حاضر بود. ارزش‌ها، باورها، رسوم و هنجارهای حاکم بر یک بافت اجتماعی علاوه بر دیدگاه‌های فردی، بر سبک زندگی خانوادگی نیز تأثیرگذار است (۹). تحلیل مصاحبه افراد مورد مطالعه حکایت از این نکته مهم داشت که روابط مناسب با خانواده‌های اقوام و آشنایان، اوقات فراغت، عدم تمایل به مدگرایی، مقبولیت

نتایج مطالعات مختلفی برخوردار است (۳۳-۳۱، ۱۷، ۱۴، ۳). تجارب والدین موفق حکایت از این واقعیت دارد، هنگامی که با تولد فرزند خانواده هسته‌ای شکل می‌گیرد و زوجین نقش جدید والد بودن را بر عهده می‌گیرند، با فضای روانی و اجتماعی جدید و خوشایندی روبه‌رو می‌شوند، انگیزه و هدفمندی و شوق زندگی مضاعفی را تجربه می‌کنند، مشارکت و همکاری بیشتری در تعاملات خود نشان می‌دهند و مسیر و معنای متفاوتی را در زندگی خود شکل می‌دهند که محصول آن، کیفیت زندگی بالاتر و رضایت بیشتر می‌باشد.

وقتی نظام خانواده از کیفیتی به نام خانواده‌گرایی برخوردار باشد، اعضای خانواده، بودن با یکدیگر را به دیگر موقعیت‌ها ترجیح می‌دهند. این وضعیت که به طور عمده از والدین ناشی می‌شود و فرزندان نیز الگوگیری می‌کنند، به معنای اهمیت دادن به خانواده، حضور بیشتر در خانه، داشتن تعاملات گرم با دیگر اعضا و فضای صمیمانه خانواده است. خانواده‌گرایی در اصل چتر حمایتی بسیار قوی در برابر همه موقعیت‌های مختلف است که توانمندی و قابلیت‌های افراد خانواده را از راه‌های مختلفی افزایش می‌دهد (۵). از سوی دیگر، وجود مرزبندی‌ها و سلسله مراتب روشن و واضح در خانواده، جایگاه و محدوده رفتاری اعضا را مشخص می‌کند و عملکرد حراست و متمایزسازی زیرمنظومه‌ها را بر عهده دارد. این امر به نوبه خود از بروز مشکلات مرزی جلوگیری می‌نماید و یک زیرمنظومه را از دخالت‌های نابه جای سایر زیرمنظومه‌ها حفاظت می‌کند. این وضعیت به استقلال و در عین حال برخورداری از حمایت خانواده بسیار کمک کننده است (۱۶، ۸). یافته جالب این مضمون به نقش مؤثر چگونگی ارتباط با خانواده اصلی خود و همسر و اهمیت رضایت‌مندی آن‌ها در کیفیت زندگی خانوادگی مربوط می‌شود. آنچه تجارب والدین موفق نشان داد، این است که هر چقدر خانواده اصلی از همسر و فرزندان خود خشنودتر باشند و ارتباط صمیمانه و دوستانه‌ای بین آن‌ها وجود داشته باشد، والدین رضایت بالاتری از زندگی خانوادگی را تجربه می‌کنند. این واقعیت بیانگر اهمیت نقش خانواده در این بافت اجتماعی می‌باشد که ممکن است با سایر بافت‌های فرهنگی که خانواده‌های اصلی

رعایت احتیاط است. از سوی دیگر، موفقیت والدین و سلامت یک خانواده از دلایل بی‌شمار دیگری تأثیر می‌پذیرد که در پژوهش حاضر به دلیل عدم شناسایی حاصل از تجارب افراد، به آن‌ها پرداخته نشد. با این حال، اطلاعات حاصل از پژوهش می‌تواند دستمایه پژوهش‌های بیشتر در این زمینه قرار گیرد تا افق‌های دیگری در مورد این پدیده گشوده شود.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر بر اساس تجارب والدین موفق به موضوع پراهمیت چستی خانواده سالم در بافت فرهنگی- اجتماعی کشورمان پرداخت. یافته‌ها نشان داد که در یک خانواده متعالی زمینه‌های تأثیرگذار مختلفی مانند فردی، زوجی، خانوادگی، والدگری و اجتماعی وجود دارند. شناسایی این عوامل از طریق روش‌های کمی و ابزارهایی که فاقد حساسیت فرهنگی هستند، دور از دسترس بود. این یافته‌ها از یک سو لزوم توجه بیشتر به مبانی فرهنگی، ارزشی و اجتماعی تأثیرگذار بر نهاد خانواده را برای افرادی که در حوزه خانواده مشغول فعالیت هستند، یادآوری می‌کند و از سوی دیگر، لزوم هدایت پژوهش‌های بیشتر در زمینه سلامت خانواده به جای آسیب‌شناسی را متذکر می‌شود.

تشکر و قدردانی

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری رشته مشاوره خانواده است. بدین وسیله پژوهشگران مراتب قدردانی خود را از تمامی شرکت کنندگانی که دلسوزانه، صمیمانه و بدون هیچ توقعی در اجرای این پژوهش همکاری داشتند، اعلام می‌دارند.

اجتماعی و اشتغال دلایل اجتماعی مؤثری بر سلامت خانواده محسوب می‌شوند.

واضح است که در حوزه سلامت فردی و اجتماعی، برخورداری از شبکه‌های حمایتی مانند خویشاوندان، دوستان و همکاران، مسأله حایز اهمیتی است. برخورداری خانواده از این شبکه‌های حمایتی می‌تواند در مواقع لزوم در کمک به فرد و خانواده برای حل بهتر مسایل نقش فعالی ایفا کند. بر این اساس، هرچه افراد از شبکه‌های اجتماعی بیشتری برخوردار باشند و ادراک حمایتی بیشتری از سوی همسر، خانواده، آشنایان و همکاران خود داشته باشد، کیفیت بالاتری از زندگی خانوادگی را تجربه می‌کنند و در رویایی با مشکلات مختلف، احساس کارآمدی و قابلیت‌های حل مسأله بیشتری را نشان می‌دهند (۳۴). از سوی دیگر، مورد قبول واقع شدن از سوی اطرافیان و نزدیکان نیز می‌تواند این منبع حمایتی را گسترش دهد و نقش مهمی را در احساس ارزشمندی فرد ایفا کند. عدم تمایل به سبک زندگی مدگرایانه با قناعت داشتن قرابت دارد که اثرات فرهنگی بر سبک زندگی خانواده را نشان می‌دهد و امکان مدیریت بهتر مالی و اقتصادی را نیز فراهم می‌کند. عدم پرداختن به مد می‌تواند خود را از جهات مختلف در موفق بودن خانواده نشان دهد. عدم تمایل به مدگرایی، خانواده را از پذیرفتن فشارهای اضافی و غیر ضروری در امان نگه می‌دارد و در نتیجه توان اعضای خانواده در جهت رشد و بالندگی به کار گرفته می‌شود.

پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی مواجه بود. نمونه مورد مطالعه از طبقات مختلف اجتماعی- اقتصادی شهر تهران انتخاب شدند، بنابراین تعمیم نتایج به همه خانواده‌ها مستلزم

References

1. Nargiso JE, Becker S, Wolff J, Uhl K, Simon V, Spirito A, et al. Psychological, peer, and family influences on smoking among an adolescent psychiatric sample. *J Subst Abuse Treat* 2012; 42(3): 310-8.
2. Quinn WH. Family solutions for youth at risk: applications to juvenile delinquency, truancy, and behavior problems. New York, NY: Psychology Press; 2004.
3. Amato PR, Keith B. Parental divorce and adult well-being: a meta-analysis. *Journal of Marriage and Family* 1991; 53(1): 43-58.
4. Telethon Institute for Child Health Research. The Western Australian Aboriginal Child Health Survey: The social and emotional wellbeing of Aboriginal children and young people and Summary booklet. Subiaco, WA: Telethon Institute for Child Health Research; 2004.
5. Carr A. Family therapy: concepts, process and practice. 2nd ed. Hoboken, NJ: John Wiley & Sons; 2006.

6. Arvidsson SB, Petersson A, Nilsson I, Andersson B, Arvidsson BI, Petersson IF, et al. A nurse-led rheumatology clinic's impact on empowering patients with rheumatoid arthritis: A qualitative study. *Nurs Health Sci* 2006; 8(3): 133-9.
7. Anderson RM, Funnell MM. Patient empowerment: reflections on the challenge of fostering the adoption of a new paradigm. *Patient Educ Couns* 2005; 57(2): 153-7.
8. Amato PR, Loomis LS, Booth A. Parental divorce, marital conflict, and offspring well-being during Early adulthood. *Social Forces* 1995; 73(3): 895-915.
9. Walton E, Takeuchi DT. Family structure, family processes, and well-being among Asian Americans: considering gender and nativity. *Journal of Family Issues* 2010; 31(3): 301-22.
10. Fallu JS, Janosz M, Briere FN, Descheneaux A, Vitaro F, Tremblay RE. Preventing disruptive boys from becoming heavy substance users during adolescence: a longitudinal study of familial and peer-related protective factors. *Addict Behav* 2010; 35(12): 1074-82.
11. Tomas DS, Alvarez Gonzalez FJ, Llorens AN, Vidal-Infer A, Torrijo Rodrigo MJ, Valderrama-Zurian JC. Predictors of driving after alcohol and drug use among adolescents in Valencia (Spain). *Accid Anal Prev* 2010; 42(6): 2024-9.
12. Juan-Pablo G, Stefan M. Sexual risk behavior among adolescence: The role of socioeconomic and demographic household characteristics. Mexico City, Mexico: Global Forum for health research forum; 2004.
13. Boyer TW. The development of risk-taking: A multi-perspective review. *Developmental Review* 2006; 26(3): 291-345.
14. Myers J, Madathil J, Tingle L. Marriage satisfaction and wellness in India and the United States: a preliminary comparison of arranged marriages and marriages of choice. *Journal of Counseling and Development* 2005; 83(2): 183-90.
15. Long LL, Young ME. *Counseling and therapy for couples*. California, CA: Thomson Brooks/Cole; 2007.
16. Scott J. Family and gender roles: how attitudes are changing [Online]. [cited 2006 Sep]; Available from: URL: <http://www.genet.ac.uk/workpapers/GeNet2006p21.pdf>
17. Ingram J. Money stories of successful long-term married couples [Thesis]. Denton, TX: Texas Woman's University; 2010.
18. Parker R. How partners view marriage in long-term relationships how partners view marriage in long-term relationships [Online]. [cited 2000]; Available from: URL: http://www.researchgate.net/publication/239548158_How_partners_view_marriage_in_long-term_relationships_How_partners_view_marriage_in_long-term_relationships
19. Roizblatt A, Kaslow F, Rivera S, Fuchs T, Conejero C, Zacharias A. Long lasting marriages in Chile. *Contemporary Family Therapy* 1999; 21(1): 113-29.
20. Amato PR, Cheadle J. Parental divorce, marital conflict and children's behavior problems: a comparison of adopted and biological children. *Social Forces* 2008; 86(3): 1139-61.
21. Goodwin PY. African American and European American women's marital well-being. *Journal of Marriage and Family* 2003; 65(3): 550-60.
22. ParrA-Cardona JR, Busby DM. Exploring relationship functioning in premarital Caucasian and Latino/a couples: recognizing and valuing cultural differences. *Journal of Comparative Family Studies* 2006; 37(3): 345-59.
23. Huston TL. The social ecology of marriage and other intimate unions. *Journal of Marriage and Family* 2000; 62(2): 298-320.
24. Speziale H, Streubert H, Carpenter DR. *Qualitative research in nursing: advancing the humanistic imperative*. Philadelphia, PA: Lippincott Williams & Wilkins; 2007.
25. Creswell J, Clark P. *Designing and conducting mixed methods research*. New York, NY: Sage Publications; 2007.
26. Morse JM. *Designing funded qualitative research*. In: Denzin NK, Lincoln YS, Editors. *Strategies of qualitative inquiry*. New York, NY: SAGE Publications; 1998.
27. Denzin N, Lincoln YS. *The SAGE handbook of qualitative research*. New York, NY: Sage Publications; 2005.
28. Diekelmann N, Allen D, Tanner CA. *The NLN criteria for appraisal of baccalaureate programs: a critical hermeneutic analysis*. 6th ed. Washington, DC: National League for Nursing; 1989.
29. Burns N, Grove SK. *Understanding nursing research: building an evidence-based practice*. 4th ed. Philadelphia, PA: Elsevier Health Sciences; 2006.
30. Guba EG, Lincoln YS. *Fourth generation evaluation*. New York, NY: Sage Publications; 1989.

31. Dew J. Marriage and finance. In: Xiao JJ, Editor. Handbook of consumer finance research. Berlin, Heidelberg: Springer Science & Business Media; 2008.
32. Amato PR. The consequences of divorce for adults and children. *Journal of Marriage and Family* 2000; 62(4): 1269-87.
33. Shaw DS, Winslow EB, Flanagan C. A prospective study of the effects of marital status and family relations on young children's adjustment among African American and European American families. *Child Dev* 1999; 70(3): 742-55.
34. Stanley SM, Einhorn LA. Hitting pay dirt: comment on "Money: a therapeutic tool for couples therapy". *Fam Process* 2007; 46(3): 293-9.

Successful parents' experiences regarding factors affecting a healthy family: a qualitative research

Javad Khodadadi Sangdeh¹, Ali Mohamad Nazari², Khodabakhsh Ahmadi³, Jafar Hasani⁴

Original Article

Abstract

Introduction: Successful parents have a crucial role in creating a healthy family and a healthy family is the foundation of a healthy community. Thus, the present research was conducted with the aim to investigate successful parents' experiences regarding factors affecting a healthy family.

Method: In the present qualitative research, the phenomenological approach was used. For this purpose, 13 successful parents with a minimum of 15 years of marital life and high level of health and marital satisfaction were selected using purposive sampling method. The participants were studied via exploratory and in-depth interviews during a 12-month period. Data were collected, registered, encoded, and classified into 5 main categories.

Results: Through the analysis of the participants' experiences 429 primary codes, 27 subthemes, and 5 main themes were identified. The main themes included personal, marital, familial, parenting, and social factors.

Conclusion: Different factors such as responsibility, forgiveness, maturity, commitment, intimacy, acknowledgment, attempting to please one another, cooperation, reciprocal caring, sexual satisfaction, familism, monitoring, flexibility, leisure time, not following fashion, and contact with relatives contribute to building a healthy family. Although these factors have a fundamental role in shaping a successful family, they have been overlooked. Therefore, with regard to marriage, it is necessary to pay more attention to social and cultural factors.

Keywords: Successful parents, Healthy family, Phenomenology

Citation: Khodadadi Sangdeh J, Nazari AM, Ahmadi KH, Hasani J. **Successful parents' experiences regarding factors affecting a healthy family: a qualitative research.** J Qual Res Health Sci 2015; 4(2): 178-90.

Received date: 5.5.2015

Accept date: 4.7.2015

1- PhD Student, Department of Counseling, School of Psychology and Educational Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran
2- Associate Professor, Department of Counseling, School of Psychology and Educational Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran
3- Associate Professor, Behavioral Sciences Center, Baqiyatallah University of Medical Sciences, Tehran, Iran
4- Associate Professor, Department of Psychology, School of Psychology and Educational Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran
Corresponding Author: Javad khodadadi Sangdeh, Email: javad.khodadadi7@gmail.com